

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والنٲین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا.م. شیرى

۰۷ می ۲۰۲۵

عملیات «غیر قابل تصور» یا دگر دیسی متفقین آنگلساکسون اتحاد جماهیر شوروى در جنگ جهانی دوم



[با جشن هشتمین سالگرد شکوهمندترین پیروزی تاریخ نزدیک فقط دو روز فاصله داریم].- شیرى

۸۰ سال پیش، آنگلساکسون‌ها قصد داشتند به اتحاد جماهیر شوروى حمله کنند.

در طی جنگ جهانی دوم، ترکیب ائتلاف ضد هیتلر تغییر کرد و تعداد کشورها افزایش یافت. تا جنوری ۱۹۴۲، این ترکیب شامل ۲۶ کشور بود. در پایان جنگ، تعداد آن‌ها به ۵۴ رسید. انگلستان، امریکا و اتحاد جماهیر شوروى – «سه قدرت بزرگ» – هسته اصلی ائتلاف بودند. این سه کشور معمولاً نه تنها اعضای بلوک ضد هیتلر، بلکه متحدان بسیار نزدیک نامیده می‌شدند. اما در مقالات قبلی‌ام برخی از عجایب روابط متحدانه «سه قدرت بزرگ» را نشان داده‌ام. بار اصلی جنگ علیه هیتلر و متحدانش بر دوش اتحاد جماهیر شوروى گذاشته شد. نیروهای شوروى که در جبهه شرقی می‌جنگیدند، بیش از ۵۰۰ لشکر المانی و صدها لشکر از کشورهای متحد المان را نابود کردند. این تقریباً سه و نیم برابر بیشتر از تعداد لشکرهایی بود که متفقین ائتلاف ضد هیتلر در تمام جبهه‌ها نابود کردند. ما تقریباً سه برابر بیشتر از سایر متفقین (در درجه اول انگلیس، فرانسه و امریکا) هواپیما، تانک و توپخانه رایش سوم را نابود کردیم. به نظر می‌رسید که متحدان آنگلساکسونی اتحاد جماهیر شوروى به دنبال فرسودگی حداکثری اتحاد جماهیر شوروى و المان بودند تا این کشورها یا به کلی از نقشه جهان محو شوند یا از ایفای نقش مهم در جهان دست بردارند.

رفتار عجیب متحدان آنگلساکسون به ویژه در ماه‌های آخر جنگ آشکار شد. البته، شهروندان عادى، چه در کشور ما و چه در خارج از کشور، هیچ اطلاعى در باره این عجایب نداشتند. اما رهبرى شوروى از آن‌ها خبر داشت و اطلاعات

لازم را از طریق نهادهای اطلاعاتی دریافت می‌کرد. یکی از این عجایب، مذاکرات مخفیانه و جداگانه‌ای بود که امریکائی‌ها و انگلیس‌ها با نمایندگان رایش سوم انجام می‌دادند. گزینه‌های مختلف «همکاری» احتمالی بین آنگلساکسون‌ها و المانی‌ها «علیه اتحاد جماهیر شوروی» مورد بحث قرار گرفت.

از گزینه «نرم» شروع می‌کنیم که بر اساس آن ورمخت باید در برابر پیشروی متفقین (که در جون ۱۹۴۴ «جبهه دوم» را گشودند) بشدت مقاومت می‌کرد تا از اشغال المان و سایر سرزمین‌های اروپا توسط نیروهای شوروی جلوگیری شود. و در نهایت به گزینه «سخت» می‌رسیم، که مطابق آن، قرار بود المانی‌ها و آنگلساکسون‌ها متحد شوند و با هم علیه اتحاد جماهیر شوروی بجنگند. برخی از این مذاکرات محرمانه جداگانه را ما از فلم تلویزیونی «لحظات هفده‌گانه بهارن» (بر اساس فلمنامه یولیان سیمینوف) که در سال ۱۹۷۳ در شوروی به نمایش درآمد، آموختیم.

موضع دوگانه امریکا در قبال اتحاد جماهیر شوروی به ویژه پس از مرگ فرانکلین روزولت، رئیس جمهور امریکا، در اپریل ۱۹۴۵ آشکار شد. هری ترومن، که جای او را گرفت، کینه خود نسبت به اتحاد جماهیر شوروی را فقط چند ماه دیگر پنهان کرد. زیرا، او برای شکست دادن جاپانی‌ها به اتحاد جماهیر شوروی نیاز داشت. اتحاد جماهیر شوروی در کمترین زمان ممکن موفق شد بر جاپان پیروز شود. پس از آن، امریکا نقاب اتحاد از چهره خود برداشت و به سرعت به مسیر جنگ سرد قدم گذاشت.

موضع انگلیس حتی مودیان‌تر و ریاکارانه‌تر بود. بارزترین جلوه پستی و رذالت لندن، طرح مخفی به نام «غیرقابل تصور» بود. مبتکر این طرح، وینستون چرچیل، نخست وزیر بود. در اپریل ۱۹۴۵، او به رؤسای ستاد نیروهای مسلح انگلیس دستور داد تا طرح عملیات «غیرقابل تصور» را که اساس آن برگرداندن سلاح‌های آنگلساکسون‌ها به سوی اتحاد جماهیر شوروی بود، تدوین کنند. دلیل اصلی که نخست وزیر انگلیس را به اتخاذ چنین تصمیم واقعاً غیر قابل تصور وادار کرد، ترس از این بود که اتحاد جماهیر شوروی کنترل بیشتر اروپا را به دست بگیرد.

بعدها، وینستون چرچیل در کتاب خود با عنوان «جنگ جهانی دوم» وضعیتی را که در بهار ۱۹۴۵ به وجود آمده بود، اینگونه توصیف کرد: «نابودی قدرت نظامی المان، موجب تغییر اساسی در روابط روسیه کمونیست و دموکراسی‌های غربی شده است. آن‌ها دشمن مشترک خود، یعنی دشمنی را که جنگ علیه آن تقریباً تنها حلقه واسط اتحادشان بود، از دست دادند. پس از این، امپریالیسم روسیه و دکتترین کمونیستی هیچ حد و مرزی برای پیشروی و تمایل خود برای تسلط نهائی قائل نبودند و نمی‌شناختند».

چرچیل در کتاب خود با صراحت تمام در باره این مدعا صحبت می‌کند که از بهار ۱۹۴۵ به بازنگری اساسی در اهداف و مقاصد جهان غرب در پیشبرد جنگ در مرحله نهائی آن شروع کرده است: «اولاً، روسیه شوروی به خطر مرگبار برای جهان آزاد تبدیل شده است؛ ثانیاً، باید جبهه جدیدی در مقابل پیشروی سریع آن فوراً تشکیل شود؛ ثالثاً، این جبهه باید از اروپا تا حد امکان به شرق گسترش یابد...»

بر این باورم که چرچیل تصمیم گرفت در روند جنگ یک چرخش اساسی به این دلیل انجام دهد، که روزولت، رئیس جمهور امریکا حتی نمی‌توانست چنین چرخشی را تصور کند، در ۱۲ اپریل ۱۹۴۵ از دنیا رفت.

در ۸ ماه مه، رایش سوم سند تسلیم نهائی را امضاء کرد و در ۹ مه، ما روز پیروزی را جشن گرفتیم. و دو هفته بعد، در ۲۲ مه، یک سند ۲۹ صفحه‌ای با عنوان «طرح عملیات غیرقابل تصور» روی میز نخست وزیر انگلیس قرار گرفت. ضامنه دیگری به متن اصلی سند (اطلاعات مربوط به استقرار نیروهای ارتش سرخ و متحدان غربی و همچنین مطالب نقشه‌برداری) افزوده شده بود. در واقع، این نقشه جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی بود.

قرار بود عملیات «غیرقابل تصور» در اول جولای ۱۹۴۵ آغاز شود و طبق این طرح، ۴۷ لشکر انگلیس و امریکائی (از جمله ۱۴ لشکر زرهی) بدون اعلام جنگ به نیروهای شوروی مستقر در المان و کشورهای هم‌مرز حمله کنند. علاوه بر این، در این عملیات قرار بود ۱۲ لشکر رایش سوم که در شلسویگ-هولشتاین و جنوب دانمارک مستقر بودند و به دلایل عجیبی تا آن زمان منحل نشده بودند، به کار گرفته شوند. اتفاقاً بعداً معلوم شد که آن‌ها در حالت آمادگی رزمی بودند و مربیان انگلیس به پرسنل لشکرها آموزش می‌دادند. در عین حال، آنگلوساکسون‌ها برای انحلال واحدهای دیگری که در طرف رایش سوم می‌جنگیدند، عجله نداشتند. به ویژه، در منطقه تحت نظارت انگلیس، واحدهای هنگری (۱۲ هزار نفر)، استونیائی (۳۲۰۰ نفر)، لیتوانیائی و لتونیائی (۲۱ هزار نفر) حضور داشتند. در ۱۵ نوامبر ۱۹۴۵، گئورگی ژوکوف، مارشال اتحاد جماهیر شوروی، فرمانده کل گروه نیروهای شوروی در المان، به ویچسلاو مولوتف، معاون اول رئیس شورای کمیسرهای خلق اتحاد جماهیر شوروی، کمیسر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی تلگراف زد و در آن اظهار داشت که انگلیس‌ها واحدهای المانی، هنگری و سایر واحدهائی را که در کنار رایش سوم جنگیده بودند، در منطقه خود نگه می‌دارند. ژوکوف نوشت: «به نظر من، طرح این موضوع در شورای نظارت و درخواست اخذ مجوز ورود به منطقه انگلیس‌ها از شورا مناسب خواهد بود. واحد اطلاعاتی ما حضور واحدهای المانی مذکور را تأیید کرده‌اند. منتظر دستور شما هستم». تحت فشار شدید مسکو، این واحدها در جنوری ۱۹۴۶ منحل شدند.

در این سند آمده است: «انگلستان و امریکا از حمایت کامل نیروهای پولندی برخوردارند و می‌توانند روی نیروهای المانی و آنچه از صنایع المان باقی مانده است، حساب کنند. شروع درگیری‌ها برای اول جولای ۱۹۴۵ برنامه‌ریزی شده است». همانطور که می‌بینیم، علاوه بر المانی‌ها، طراحان این نقشه روی پولندی‌ها (شبه‌نظامیان مخفی) نیز حساب می‌کردند.

طراح اصلی این طرح، سرتیپ جفری تامپسون، فرمانده توپخانه انگلیس در طول جنگ بود. طرح «غیرقابل تصور» نسخه انگلیس عملیات بارباروسای هیتلر بود فقط با اهداف کمی ساده‌تر. قرار بود دو حمله بزرگ غافلگیرانه: از شمال (در امتداد محور اشتین-اشنایدمهل-بیدگوشچ) و از جنوب (در امتداد محور لایپزیگ-کوتیوس-پوزنان و برسلو) به نیروهای شوروی مستقر در شمال شرقی اروپا انجام شود. در این طرح بیرون راندن نیروهای شوروی از خاک المان و پولند تا مرز دولتی اتحاد جماهیر شوروی و حتی فراتر از آن پیش‌بینی شده بود.

چرچیل اهمیت پولند را برای جهان غرب بسیار بالا می‌دانست. او پولند را کلید اروپای شرقی، به عنوان یک پایگاه آنگلوساکسون در آن بخش از جهان تلقی می‌کرد. آنگلوساکسون‌ها تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند اجازه دهند که یک رژیم کمونیستی در پولند تحت کنترل مسکو برقرار شود. البته، چرچیل موافق حل مسأله پولند بدون استفاده از زور و از طریق مذاکره با مسکو بود، اما او موقعیت مسکو را واقع‌بینانه ارزیابی می‌کرد و می‌دانست که ستالین پولند را به آنگلوساکسون‌ها واگذار نخواهد کرد. بنابراین، تنها راه قهرآمیز برای حل مسأله پولند باقی‌مانده بود. این نمادین است که جنگ جهانی دوم درست از پولند آغاز شد و اکنون ممکن بود جنگ جهانی سوم نیز از پولند آغاز شود.

طرح «غیرقابل تصور» از آنجائی که از حمایت کافی ارتش انگلیس برخوردار نشد، از ارتشیان خواسته شد تا این سند را ارزیابی کنند. نیروهای مسلح شوروی و نیروهای آنگلوساکسون (حتی با در نظر گرفتن احتمال دخالت لشکرهای منحل نشده المانی) بیش از حد نابرابر بودند.

انصافاً باید اذعان کرد که خود سند، موازنه قدرت بین آنگلوساکسون‌ها و ارتش سرخ را کاملاً هوشیارانه ارزیابی کرده بود: «... توازن قوای فعلی در اروپای مرکزی، جائی که روس‌ها تقریباً سه به یک برتری دارند، پیروزی کامل و قاطع متحدان در این قلمرو را در شرایط فعلی غیرممکن می‌سازد. اگرچه (ارتش) متفقین اندکی بهتر سازمانده‌ی شده و

مجهزتر هستند، اما روس‌ها سرسختی خود را در جنگ با آلمانی‌ها به خوبی نشان دادند...» همانطور که در سند اشاره شده است، آنگلوساکسون‌ها در عملیات «غیرقابل تصور» علیه ارتش سرخ با نیروهای برابر ۱۷۰ لشکر متفقین (شامل ۳۰ لشکر زرهی آن) روبرو خواهند شد. در مجموع، ارتش سرخ نیروی معادل ۲۶۴ لشکر متفقین داشت. در همین حال، آنگلو-امریکائی‌ها در سراسر اروپا ۱۰۳ لشکر داشتند.

حتی جفری تامپسون، طراح اصلی به خطر بالای این طرح اذعان کرد: «... ما باید همه داشته‌هایمان را در یک نبرد بزرگ به خطر بیندازیم، نبردی که در آن با مشکلات بسیار دشواری مواجه خواهیم شد...» به نظر این جنرال، تمام امیدش به غافلگیری عملیات نظامی بود.

به طور کلی، این طرح بشدت مورد نارضایتی چرچیل قرار گرفت و به عنوان «ماجراجوئی» بسیار خطرناک برای خود انگلستان نه تنها از نظر نظامی، بلکه از نظر سقوط اعتبار و اعتماد به لندن در جامعه جهانی شناخته شد. بنابراین، جنرال هستینگز ایسمای، مشاور نظامی ارشد نخست وزیر، از ایده استفاده از نیروهای رایش سوم در این عملیات وحشت داشت. او گفت: «این کار از نظر رهبران کشورهای دموکراتیک کاملاً غیرممکن بود».

با توجه به انتقادات، طرح «غیرقابل تصور» به طور اساسی مورد بازنگری قرار گرفت و از حالت تهاجمی به حالت تدافعی تبدیل گردید. نسخه جدید در ۱۱ جولای به چرچیل ارائه شد. مجموعه اقدامات برای محافظت از آن بخش اروپا که تحت کنترل نیروهای مسلح شوروی نبود، اما می‌توانست تحت کنترل آن قرار گیرد، مورد مطالعه قرار گرفت. اقداماتی نه تنها برای دفاع از قاره اروپا، بلکه برای دفاع از خود انگلیس نیز پیش‌بینی شده بود. این نسخه طرح نیز عملاً اجرا نشد. زیرا، مسکو پس از ۹ مه ۱۹۴۵ برای پیشروی بیشتر به سمت غرب به طور کلی تلاش نکرد.

طرح «غیرقابل تصور» به عامل غافلگیرکننده برای مسکو تبدیل نشد. اطلاعات شوروی یک سند انگلیس را روی میز ستالین گذاشت. این طرح توسط مأموران انگلیس معروف به «حلقه جاسوسان کمبریج» به اتحاد جماهیر شوروی منتقل شد. به نوشته تاریخ‌نگاران، مسکو به مارشال گئورگی ژوکوف دستور داد تا توان دفاعی را تقویت کند و استقرار نیروهای متحدان غربی را مورد مطالعه دقیق قرار دهد. در جون ۱۹۴۵، تجدید قوای ارتش سرخ در اروپا انجام گرفت.

طرح «غیرقابل تصور» نه یک افسانه، بلکه یک نقشه واقعی بود. این طرح نه تنها در مسکو، بلکه در خارج از کشور نیز شناخته شد. متخصصان تاریخ جنگ جهانی دوم با استناد به مطبوعات شوروی از این طرح یاد کرده‌اند. اما در مطبوعات غربی مدت طولانی «جعلی» خوانده می‌شد. به رغم این، اولین گزارش‌ها در مورد برنامه‌های نظامی کابینه وینستون چرچیل علیه اتحاد جماهیر شوروی، که در بهار ۱۹۴۵ تدوین شده بود، در اکتوبر ۱۹۹۸، در مطبوعات انگلیس و غربی منتشر شد.

سرانجام اسناد مربوط به طرح «غیرقابل تصور» اخیراً – در سال ۲۰۲۱ – از طبقه‌بندی خارج شد. در ماه جون همان سال، روزنامه انگلیسی تلگراف خود این طرح را که در آرشیف ملی نگهداری می‌شود، منتشر کرد. در مقدمه انتشار این خبر، آمده بود: «بسیاری معتقدند که روابط فعلی انگلیس با روسیه سرد است، اما این سردی در مقایسه با نقشه جنگی که ۷۶ سال پیش ترسیم شد، چیز قابل نیست».

امروزه امکان دسترسی رایگان به طرح مذکور و اسناد مربوطه در آرشیو ملی فراهم است: [برنامه‌ریزی اضطراری علیه تجاوز احتمالی روسیه: عملیات غیرقابل تصور](#).

در پایان، لازم به یادآوری می‌دانم که چرچیل در تابستان ۱۹۴۵، در انتخابات شکست خورد و استعفا داد. دولت کارگر به رهبری نخست وزیر کلمنت آتلی در انگلستان به قدرت رسید. طرح «غیرقابل تصور» به دست فراموشی سپرده

شد. اما فکر آماده شدن برای جنگ با اتحاد جماهیر شوروی از بین نرفت. این کار توسط انگلیس و با همکاری نزدیک با امریکا و کانادا انجام شد. نکته بسیار جالب این است که در کار تهیه طرح‌های جدید نقش اصلی را نه لندن، بلکه واشنگتن بازی می‌کرد.

بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۱۶ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۴

* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل پشت صحنه